

یادداشت‌هایی در زمینه‌ی ارتقای کیفیت تدریس و ارزش‌یابی

مبتنی بر اسناد تحولی وزارت آموزش و پرورش

دکتر عظیم محبی

رویکردها و راهبردهای یاددهی - یادگیری در اسناد تحولی

بخش سوم

اشاره

در شماره‌ی قبل، ویژگی‌ها و اصول مربوط به فرایند یاددهی - یادگیری بررسی شد. در شرایط مطلوب انتظار می‌رود این اصول در فرایند یاددهی - یادگیری معلمان بروز و ظهور پیدا کند. براساس این نکته‌ی مهم، در این شماره راهبردها و روش‌های این فرایند توضیح داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، عینیت‌گرایی، شناخت‌گرایی، فطرت‌گرایی

تعریف راهبرد و روش‌ها

برنامه‌ی درسی به منزله‌ی طرح و نقشه‌ی یادگیری از عناصر اصلی، هدف، محتوا، راهبرد و روش و ارزش‌یابی تشکیل شده است (ملکی، ۱۳۸۸). در میان این عناصر، روش‌ها ارتباط هدف با نتیجه را براساس رویکرد سیستمی برقرار می‌کند، راهبردهای آموزشی، تعیین‌کننده‌ی رویکرد معلم برای دستیابی به اهداف یادگیرنده هستند. روش‌هایی که در یک خانواده قرار می‌گیرند، راهبردی آموزشی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، راهبردها مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی هستند که معلم برای رسیدن به اهداف یادگیری از آن‌ها استفاده می‌کند (مبانی نظری برنامه‌ی درسی علوم تجربی، ۱۳۸۷).

آموزش، مفهومی گسترده‌تر از تدریس دارد. آموزش فعالیت است هدف‌دار و از پیش طراحی شده که فرصت‌ها و موقعیت‌های یادگیری را درون نظام آموزشی تسهیل می‌کند اما تدریس آن قسمت از فعالیت‌های آموزشی است که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می‌افتد. بنابراین تدریس به مجموعه فعالیت‌های منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده‌ای اطلاق می‌شود که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است (شعبانی، ۱۳۸۲).

در این فرایند، میان معلم و دانش‌آموز تعامل برقرار می‌گردد و طرح درس و فعالیت‌ها براساس اهداف مدیریت می‌شود. به عبارت دیگر، در این فرایند مهارت‌ها در سه مرحله‌ی قبل، حین و بعد از تدریس صورت می‌گیرد.

رویکرد حاکم بر فرایند یاددهی - یادگیری

راهبردها و روش‌ها علاوه بر به کارگیری در فرایند تدریس، در طراحی و تألیف بسته‌های آموزشی (کتاب درسی و...) نیز نقش اساسی دارند. با همه‌ی اهمیتی که راهبردها و روش‌ها در برنامه‌ریزی درسی دارند، خود تابعی از اصولی مهم‌ترند؛ مانند ماهیت یادگیرنده (اصل فطرت، اجتماعی بودن وی، حقیقت روح در وی، وجود نیاز و تمایلات متنوع، استعداد و قابلیت‌های ذهنی، اراده، آزادی، حق انتخاب، انگیزه و...)، اهداف در سطوح مختلف (غایی تا جزئی)، نظریه‌های یادگیری و حوزه و موضوعات یادگیری است.

شکوفایی فطرت عنصر اساسی یادگیری تلقی می‌شود که با بهره‌گیری از قدرت عقل و تفکر و باور، زمینه‌ی شناخت و درک موقعیت‌ها را فراهم می‌کند. علاوه بر موضوع فطرت، در مسیر پیشرفت نظریه‌های یادگیری از عینیت‌گرایی به شناخت‌گرایی، با مجموعه نظریه‌هایی روبه‌رو هستیم که در مجموع به «رویکرد ساختن‌گرایی» معروف شده‌اند (امانی، ۱۳۸۱).

در این فرایند با ساخت و تولید دانش، بر خلق معنا در ذهن، خلاقیت و بافت و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر نظریه‌های **پیاژه** و **ویگوتسکی** تأکید می‌شود (محبی، ۱۳۹۰).

این نظریه‌ها برای نقش فرد و تأثیرگذاری وی در شکوفایی فطرت و استعدادها اهمیت قائل است. لذا از پیوند این نظریه و آن چه از مفاهیم فطرت در نظریه‌ی اسلامی تعلیم‌پورتیبت (علم‌الهدی، ۱۳۸۸) فهمیده می‌شود، می‌توان رویکرد حاکم بر راهبردها و روش‌های فرایند یاددهی - یادگیری را در فطرت‌گرایی، «موقعیت‌محوری» نامید. این رویکرد در سند برنامه‌ی درسی ملی (۱۳۹۱) نیز رویکرد اصلی حاکم بر برنامه‌های درسی تعیین شده است. به زبان دیگر، رویکرد حاکم بر راهبردها و روش‌ها در این فرایند، رویکردی فرایندی و فعال است.

انواع راهبردها و روش‌ها

راهبردها، رسیدن به یادگیری مطلوب با توجه به رویکرد فطرت‌گرایی و موقعیت‌محوری و اصولی مانند تعامل، مشارکت و توجه به هویت اسلامی و ملی را فراهم می‌آورد (سند برنامه‌ی درسی ملی. ویرایش پنجم، ۱۳۹۱). برای شکوفایی فطرت، فراهم کردن بستر مناسب جهت شکوفایی و رشد حس علم‌یابی، حقیقت‌خواهی، خلاقیت و... راهبرد اصلی در این فرایند است.

در کنار این بسترسازی، دانش‌آموز برای درک و آگاهی از موقعیت‌ها (جلوه‌های مختلف برنامه‌های درسی اجتماعی، طبیعی، الهیاتی، ریاضی و...) نیازمند تعامل اجتماعی و تشریح مساعی با گروه هم‌سالان است. نقش معلم در انتقال به موقع و مناسب پیام از طریق قصه، مثال، ارائه‌ی الگوها، توجه‌دادن به خودباوری و خودبالایی در ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت می‌تواند تکمیل‌کننده‌ی دو راهبرد فوق باشد.

بنابراین سه راهبرد اصلی آموزش و تدریس عبارت‌اند از:

۱. راهبرد زمینه‌محور؛

۲. راهبرد تعاملی و مشارکتی؛

۳. راهبرد انتقالی.

مغزی، ایفای نقش، انواع روش‌های مشارکتی (همیاری)، بدیهه‌پردازی، پرسش و پاسخ، روش گروهی و مباحثه.

راهبرد انتقالی

در این راهبرد، معلم به منزله‌ی عامل اصلی در یادگیری ظاهر می‌شود و کل دانش موضوعی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. اگر از این راهبرد به‌صورت کامل و بدون توجه به راهبردهای قبلی استفاده شود، راهبردی غیرفعال و کم‌اثر خواهد بود. لذا در حالت مطلوب تلفیق سه راهبرد فوق موردنظر است. روش‌های خاص این راهبرد عبارت‌اند از: «سخنرانی، توصیفی، نمایشی، تکرار و تمرین، روش سازمان‌دهنده، مهارت‌آموزی.»

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی منابع مختلف مؤید آن است که این راهبردها به شکل‌های مختلفی تقسیم شده‌اند (مهرمحمدی، ۱۳۸۶). راهبردهای یاددهی - یادگیری به‌صورت زیر مطرح می‌شوند:

● راهبرد رفتارگرایی، که در آن ابتدا مطالب درسی برای دانش‌آموزان تبیین می‌شود. سپس اکتساب از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد و در مرحله‌ی آخر انتقال انجام می‌یابد.

● راهبرد شناخت‌گرایی، که در آن ابتدا زمینه‌ی کاوشگری مطالب فراهم می‌شود و سپس تبیین و... در مرحله‌ی آخر انتقال صورت می‌گیرد.

● راهبرد انسان‌گرایی، که در آن ابتدا موضوع کاوشگری می‌گردد و سپس روشنگری و در مرحله‌ی آخر انتقال صورت می‌گیرد. شعبانی (۱۳۸۲) راهبردها را به سه دسته‌ی حل مسئله، تعاملی و انتقالی تقسیم کرده است.

مهرمحمدی و دیگران (۱۳۸۴) به نقل از جویس، راهبردهای تدریس را در چهار خانواده‌ی رفتاری، تکامل فردی، تعامل اجتماعی و پردازش اطلاعات معرفی کرده است.

تقسیم‌بندی‌ها با اختلاف‌های جزئی به هم نزدیک و با آن‌چه نگارنده نیز جمع کرده است، هم‌بستگی دارد. نکته‌ی مهم دیگر نحوه‌ی یادگیری راهبردها و روش‌ها در فرایند تدریس است. یک نظریه‌ی کلی آن است که برای هر یک از دروس در هر برنامه‌ی درسی باید از راهبردهای خاصی بهره‌گرفت. این نظریه به‌صورت کلی غلط نیست اما بررسی‌های نویسنده‌ی این مقاله مؤید آن است که در عمل، معلمان تلفیقی از راهبردها و روش‌ها را در فرایند تدریس خود به‌کار می‌گیرند. نظر به این‌که روش‌ها و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان مختلف است، پیشنهاد می‌شود که از سه راهبرد و روش‌های آن به شکل‌های درهم تنیده در کلاس استفاده شود.

بنابراین، رویکرد کلی فرایند یاددهی - یادگیری، تلفیقی و درهم‌تنیده خواهد بود. اگر به‌کارگیری این رویکرد، از راهبرد زمینه‌محور (اکتشافی) شروع شود و با راهبرد تعاملی ادامه یابد و در نهایت با راهبرد انتقال پایان گیرد، عملاً رویکرد فرایندی و فعال در کلاس حاکم شده است. این رویکرد همراه و همگام است با رویکرد فطرت‌گرایی و موقعیت‌محوری و اصول حاکم بر روش‌های تدریس که قبلاً بیان شده است.

منابع

۱. امانی، محمود. «ساختن‌گرایی»، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، ۱۳۸۰.
۲. جویس، بروس؛ الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، مترجمان: مهرمحمدی و همکاران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۳. شعبانی، حسن. مهارت‌های تدریس، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۴. سند برنامه‌ی درسی ملی. روان‌شناسی تربیتی. مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۵. علم‌الهدی، جمیله. نظریه‌ی اسلامی تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۸.
۶. مهرمحمدی، محمود. بازاندیشی در فرایند یاددهی - یادگیری، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
۷. ملکی، حسن. مقدمات برنامه‌ریزی درسی، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۸. مبانی نظری برنامه‌ریزی در علوم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۷.
۹. محبی، عظیم. بررسی نظریه‌ی ساختن‌گرایی در روش‌های تدریس، پایان‌نامه‌ی دکتری، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

راهبرد زمینه‌محور

روح کلی راهبرد زمینه‌محور، بسترسازی معلم برای شکوفایی فطرت، بروز استعدادها و علائق از طریق برقراری ارتباط با بافت و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی در کشف و خلق آن‌هاست. در این راهبرد، یادگیری فرایند تلقی می‌شود. درگیر کردن دانش‌آموزان با موقعیت‌های چالشی و فعال‌سازی تفکر از کلیدی‌ترین مفهوما در این راهبرد است. در ادامه، با مهارت‌های کاوشگری و پژوهشگری، ابعاد مختلف مسئله بررسی و با مشاهده و دیگر روش‌ها، اطلاعات جمع‌آوری می‌گردد تا، راه‌حل‌های مختلف به‌دست آید. در مرحله‌ی بعد آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند تا به جواب مناسب و کامل‌تر برسد. بنابراین، روش‌های حل مسئله و کاوشگری، روش گروهی، روش پروژه‌ای، نقشه‌ی مفهومی، بارش مغزی، روش آزمایشگاهی و... در عمل می‌توانند براساس این راهبرد مدیریت شوند.

راهبرد تعاملی و مشارکتی

در این راهبرد، معلم زمینه‌ساز یادگیری از طریق تشریک مساعی، بحث و گفت‌وگوست. دانش‌آموزان به‌صورت جمعی دست به پژوهش و آزمایش می‌زنند. علم به منزله‌ی دانشی است که در طول زمان و با نیازهای اجتماعی و اندیشه‌های او تعبیر می‌شود و یادگیری به مثابه اکتشاف در اطراف و ایجاد ارتباط اجتماعی با افراد و پیرامون خود تلقی می‌شود. در این راهبرد روش‌های مختلفی مطرح شده است؛ از جمله: بارش



عکس: اعظم لاریجانی